



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

از سلسله سخنرانیهای حضرت آیه الله
مجاهد حاج سید محمد حسینی شبرازی
مد ظله برای طلاب حوزه علمیه قم
پنجشنبه ۱۱ / جمادی الثانی / ۱۴۰۱ هج

باز هم به فکر

افغانستان

پاشیم

تنظیم

سید عبد الرسول مجیدی

ناشر: حاج سید هدایت الله مسترحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باز هم به فکر افغانستان باشیم

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	باز هم به فکر افغانستان باشیم
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸	باز هم به فکر افغانستان باشیم
۲۹	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: باز هم به فکر افغانستان باشیم/محمد حسینی شیرازی؛ تنظیم: عبدالرسول مجیدی

مشخصات نشر: [بی جا]: حاج سید هدایت الله مسترحمی، 1401ق.=1359ش.

مشخصات ظاهری: 22ص؛ 16×12 س.م.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: 1776907

از سلسله سخنرانی های حضرت آیه الله مجاهد حاج سید محمد حسینی شیرازی مد ظلّه برای طلاب حوزه علمیه قم

پنجشنبه 11 / جمادی الثانی / 1401 هج

باز هم به فکر افغانستان باشیم

تنظیم سید عبد الرسول مجیدی

ناشر: حاج سید هدایت الله مسترحمی

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم عسل بی غم

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیثی است از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) که متواترا نقل شده است اما با بیان هائی گوناگون، حدیث این است که: (مَنْ نَادَى يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِِبُوهُ فَلَيْسُوا بِمُسْلِمِينَ).

یعنی: اگر مسلمانی در یک مشکلی گرفتار بشود و مسلمانان را صدا بزند و جواب نشنود، - (يَا لَلْمُسْلِمِينَ) - این لام مفتوحه، وزیر دارد، در این جا معنایش این است که " (أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ أَتَقْدُونِي) " ای مسلمانان مرا نجات بدهید، و مسلمانان نجاتش ندهند، آن انسان منادی و مستغیث را، این گونه مسلمانان در منطق پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) مسلمان نیستند.

(مِنْ نَادَى يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِِبُوهُ فَلَيْسُوا بِمُسْلِمِينَ).

چون اسلام، همه مسلمانان را يك مجموعه به هم پیوسته می داند، و خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مثال دیگری زده اند برای این مسأله، فرموده اند:

(مَثَلُ الْمُسْلِمِينَ كَمَثَلِ أَعْضَاءِ فِي جِسْمٍ وَاحِدٍ، إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ تَدَاعَتْ لَهُ سَائِرُ الْأَعْضَاءِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى) .

یعنی: (تمام مسلمانان، مانند اعضاء بدن انسان هستند، در میان يك جسم و كالبد، اگر يك عضو از اعضاء بدن بیمار شود، سائر اعضاء دیگر هم با آن عضو هم دردی می کنند، اگر چشم و یا سر انسان درد بگیرد همه بدن تب می کند، و این تب مربوط به همه جسم انسان است، زیرا تمام اجزاء بدن، آن جزء را یاری می نمایند) .

(تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْأَعْضَاءِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى) .

پس انسان از شدت تب و حرارت، تا صبح خوابش نمی رود، چون که اگر یکی از اعضاء انسان بیمار گردد، و تب کند، شب تا صبح، همه بدن بی خواب می شود، مسلمانان بر این اساس امة واحده شده اند.

فرض بفرمائید اگر بخواهیم تشبیه کنیم مسلمانان جهان همه مانند يك جسمند، يك دستش افغانستان است، يك دستش عراق است، يك سرش مصر است، يك پایش اندونزی است، يك قلبش جای دیگر است، يك کلیه اش فلان جا

است، و هم چنین این ها تمام، این گونه هستند، یعنی يك بد نیست که دارای اعضائی می باشد که هر جزئی در يك قسمت بدن جاری دارد، امّا همه اش یکی است، و بر این اساس، اسلام ریخته شده است، و این پایه ای است که تا کنون همان اساس می باشد، و این اساسی است که تا روز قیامت همان اساس خواهد بود، و هر نظری و دیدی و قانونی و فکری که بر خلاف این اساس باشد، حکمی است بر خلاف اسلام، من ایرانی هستم، شما عراقی هستید، این آقا افغانی، و آن آقا اندونزی، این درست نیست، این مانند این است که شما اصفهانی هستید، آن آقا شیرازی، و آن آقا قمی، و آن یکی تهرانی است.

امّا مسلمانان باید، این گونه فکر کنند، و بیاندیشند، که ما يك وحدت و مجموعه هستیم، و لذا نماز اسلام هم همین طور است.

هیچ دیده اید که در يك نماز جماعتی افغانی شرکت نکنند؟ و یا هندی و پاکستانی شرکت ننمایند؟ و یا در حج طوری باشد که حاجی ها که در حال طواف یا نماز یا سعی و یا کار دیگر هستند و یا در منی و عرفات و مشعر می باشند فرق باشد میان آنان؟ و یا در مراکز علمی و پژوهشی هیچ دیده اید در قم و یا در جای دیگر بگویند این طلبه مصر، یا

ص: 5

افغان، یا حجاز، یا جای دیگر است؟

و بر این اساس، در نماز و حج و حوزه تفرقه باشد؟ هرگز چنین چیزی نیست، تمام دستگاه اسلام بر این آرمان پایه گذاری شده است.

بلی استعمارگران آمده اند و با همکاری جاهلان داخلی بلاد اسلامی را تگه تگه کرده اند، این جا يك حدود، آن جا يك حدود، شما حق مسافرت ندارید، مگر با داشتن جواز، تمام عمر این مرز گذاری به (90 سال) نمی رسد.

مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ زین العابدین مازندرانی، که یکی از علمای بزرگ اسلامی است، و در حدود يك قرن قبل در کربلا می زیسته است، در رساله اش نوشته است: (و در آن هنگام می خواستند انگلستان و روس و امریکا برای کشورها مرز تعیین نمایند).

در آن زمان از این عالم بزرگ استفتاء می کنند درباره این موضوع؟ ایشان در پاسخ می نویسند: که جایز نیست و حرام است و مسلمانان یکی هستند.

این مانند این است که قم به تهران تا دیروز يك شهر بود، ولی امروز برایش مرز تعیین کنند، و از یک دیگر جدا بشوند.

خلاصه: بلاد اسلامی تا (90 سال) قبل، این گونه

ص: 6

بوده است و هیچ حرفی نبوده است، بعد غربی ها و شرقی ها، با استفاده از جهل و نادانی گروهی از زمامداران و حکام مسلمانان آمدند و برای هر شهری حدود و مرزی تعیین نمودند، ما هم باید بنا بگذاریم بر بطلان این مرز گذاری.

من هنگامی که در عراق بودم، و ایرانی ها به عراق می آمدند به آن ها می گفتم: از راه شرعی آمدید یا غیر شرعی؟ گفتند: یعنی چه شرعی یا غیر شرعی؟

در جواب می گفتم: اگر بی جواز آمدید، این راه شرعی، و اگر با جواز آمده اید، این غیر شرعی است، چون که این کمک به استعمار است که جواز می گیرید، جواز چه معنی دارد؟ این مثل آن است که می خواهید به تهران بروید، و جواز بگیرید، این عجیب نیست؟ ما باید این فکر و اندیشه را به همه مردم مسلمان برسانیم که ما یک انسان هستیم، یعنی همان گونه که یک انسان دارای چشم و گوش و دست و پا است. امت اسلامی هم دارای عراق، ایران، هند، و پاکستان است، ... همه یک امت اند، پس ما باید از این زاویه فکری آغاز بنمائیم.

این يك مقدمه ای کوتاه و فشرده. اما ذی المقدمه:

در سال گذشته، ما سخنی پیرامون افغانستان گفتیم، و

ص: 7

آن سخنرانی به چاپ رسید و امروز هم می خواهیم مباحث دیگری را پیرامون افغانستان عرض شنوندگان محترم برسانیم.

افغانستان يك بخشی از کشورهای اسلامی محسوب می گردد، یعنی همان که عرض شد، مانند: دست، یا سر، یا چشم، و یا گوش یک بدن به حساب می آید، و افغانستان را يك ابر قدرت ستم گر و متجاوز یعنی شوروی بر آن سلطه پیدا کرده، و می خواهد با قتل و غارت، زمام این کشور را بدست گیرد.

امروز چند موضوع پیرامون این مطلب می خواهیم صحبت بنمائیم:

موضوع اول: این که ما باید دانسته باشیم که شوروی را انگلستان بوجود آورده است، یعنی مارکس که رئیس کمونیست ها می باشد، و تئوریسین بزرگ کمونیسم عصر جدید است، این مرد در آلمان می زیسته، آلمان می خواست او را دستگیر کند، ولی او فرار کرد آمد به سوی انگلستان، انگلستان مارکس و انگلس را زیر نظر گرفت و آنان را پرورش فکری داد، آن گاه، انگلستان، آن دو را بعنوان نخستین بذر در روسیه کنونی کاشت، و مذهب رسمی شوروی تا قبل از هفتاد سال مسیحیت بود، و قبل از (450 سال) مذهب رسمیش اسلام بود، و از جزء بلاد اسلامی محسوب می گشت.

ص: 8

و قبل از (450 سال) به این طرف ملت شوروی به آئین مسیح گرویدند، با تفصیلی که محلّ شاهد نیست، بعد انگلستان، هسته اولیه مارکسیستی را در سرزمین روسیه کاشت، و آن جا را مبدل به کشور کمونیستی نمود.

و فلسفه این عمل، این است که انگلستان رئیس منافقین جهان است، همیشه آرمانش نفاق افکنی و اختلاف است چون انگلستان با این که از نظر جغرافیائی خیلی کوچک و کم جمعیت است، و می خواهد در جهان آقائی کند، و بر دیگران سلطه گری نماید، لذا مجبور است که میان امت ها و دولت ها نفاق افکنی نماید، و اگر این کار را نکنند نمی تواند آقائی کند.

هیچ اقلیتی در جهان، این گونه سلطه گری و آقائی نمی تواند داشته باشد، و تاریخ نفاق افکنی انگلستان قدیم است، که تا امروز جهان ادامه دارد، و هم چنان که (عبد الله ابی) رئیس منافقین زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بشمار می رود. انگلستان هم رئیس منافقین جهان امروز محسوب می گردد، يك دولت و حکومت منافق و نفاق پرور، و ما امروز در صدد نفاق انگلستان نیستیم، منتها می خواستیم اشاره ای به این موضوع نموده باشیم.

خلاصه: این ها به داعی این که شوروی را که آن وقت به آن

می گفتند (تزار) تگه تگه کنند، آمدند هسته اولیه مارکسیستی را با دست خودشان در آن جا کاشتند، بعد هم لنین به دستور انگلستان از آلمان رفت به سوی شوروی، و در آن جا حکومت کمونیسم تشکیل داد.

زیرا لنین از مزدوران صهیونیسم جهانی است، و تاریخش همین مطلب را تأیید می کند، سپس در جنگ جهانی دوم نزدیک بود، آلمان شوروی را به کلی نابود سازد، و اگر آن روز آلمان هیتلر را منع نمی کردند، توانسته بود شوروی را نابود کند، و امروز، کمونیستی هیچ گونه نقشی را در جهان - به جز نامی در تاریخ - نداشته بود.

انگلیس ها رفتند، و با آمریکائی ها تماس مستقیم گرفتند، و گفتند بیایید با آلمان جبهه مخالف به خود بگیرید و بجنگید، تا این که ما بتوانیم شوروی را از چنگال جنگ نجات دهیم، من تمام جریانات جنگ را خوب یاد دارم، آمریکا و انگلستان با یک دیگر متحد شدند، و هفت جبهه جنگ جدید علیه آلمان آغاز گردید، تا این که آلمان را شکست دادند، و گرنه قوای آلمان تا نزدیکی مسکو پایتخت شوروی رسیده بود.

این جبهه های جنگ، باعث شد که ارتش آلمان پخش شود، و در پایان از هم پاشیده و متلاشی گشت.

خلاصه: انگلستان، نخست کمونیستی را در شوروی

کاشت، و در جنگ دّوم جهانی آمریکا و انگلستان او را از خطر سقوط حتمی نجات دادند، الآن هم آن کسانی که شوروی را حفظ کرده اند، همان آمریکا است، وگرنه شوروی هیچ گونه استقلالی از خود ندارد، به دلیل این که شوروی گندمش را و تکنولوژی اش را، همان آمریکا تأمین نموده است.

و اگر واقعا آمریکا ضدّ شوروی بود به او گندم نمی فروخت، و او را از نظر تکنولوژی کمک نمی کرد، زیرا شوروی بعد از (64 سال) انقلاب دروغین هنوز به گندم آمریکا نیاز شدید دارد، و هرگز نمی تواند گندم خودش را تأمین سازد.

پس آن کسی که شوروی را بوجود آورد غربی ها بودند، و آن کسی که شوروی را در جنگ جهانی دّوم نجاتش داد غربی ها بودند، و آن کسی که شوروی را امروز نگاه داشته و حمایت می کند، همان غربی ها هستند، و اینان همه با هم رفیق و همکار هستند، و همان مطالبی که پیامبر اسلام (صلّی الله علیه و آله و سلّم) قبل از چهار ده قرن فرمود: (الْكُفْرُ كُلُّهُ مِلَّةٌ وَاحِدَةٌ كَفَرَ) ، همه يك اّمت واحد هستند، فقط رنگش فرق می کند، یکی سیاه، یکی زرد، يك سرخ.

یکی بنابراین، دستگاه کمونیستی شوروی ساخته و پرداخته آمریکا و انگلستان است.

موضوع دّوم: این است که این شوروی آئینش بر پنج

(نه) استوار است:

اول: دین.

دوم: اخلاق - نه -.

سوم: مالکیت - نه -.

چهارم: خانواده - نه -.

پنجم: آزادی - نه.

این پنج اساسی است که تمام کمونیست های جهان، از قبیل: مارکس، انگلس، لنین، مالینکوف، بلغانین، خروشچوف، ماو، تا این برژنف، به آن معتقدند، و همه، مبد و آئینشان و ایدئولوژی خود را بر این پنج پایه و اساس پایه گذاری نمودند.

می گویند: خدا و دین دروغ محض است، و در کتاب - های خود می نویسند: (خدا ترا خلق نکرده، تو خدا را خلق کرده ای).

خلاصه: به نظر کمونیست هیچ چیز خدا، قرآن، پیغمبر، اسلام، امام و رهبر، انجیل، تورات، قیامت، وجود ندارد، و همه اش دروغ و خرافات است.

يك دستگاہی است در شوروی به نام (دائرة الالحاد) یعنی: اداره بی دینی، کارش این است که چگونه مردم دنیا را به تمام مقدّسات دینی بدبین نمایند، و هنگامی که وارد

ص: 12

این اداره می‌شوید، عکس خدا و پیامبر اسلام و حضرت عیسی (علیه السلام) و هم چنین پیامبران بزرگ الهی نصب گردیده. هنگام ورود باید برای اعتراف به کمونیستی به این عکس‌ها آب دهان بیفکنند تا این که کمونیست و بی‌دین بشوند، و این مطلب را در کتاب (خنت وطنی) نوشته یکی از افراد کمونیست مطالعه نمودم.

و این اداره شبانه روز مشغول فعالیت است که بتواند الحاد و دینی را در همه جهان گسترش دهد.

پس اول اساس کمونیستی، این است که خدا نیست.

دوم، کمونیسم می‌گوید: اخلاق نیست، اخلاق دروغ است، راستی درستی، تعاون، نشاط، فضیلت، خوبی، خدمت به مردم، تمام دروغ، آدم‌کشی، نفاق، چپاولگری، تمام این‌ها راست! از اخلاق خبری نیست و عبارت عرب (البیان الشیوعی) چاپ مسکو این طور است (وَمَا الدِّينُ وَالْاٰخِلَاقُ اِلَّا اَوْهَامٌ بَرَجَوا زِيَةً) یعنی: اخلاق و دین، يك پدیده هائی است که ساخته اندیشه طبقه فئودال و سرمایه دار است، وگرنه هر چه می‌خواهی انجام بده که نامی از اخلاق در قاموس انسان، وجود ندارد.

این (نه) ی دوم.

سوم، کمونیسم می‌گوید: - خانواده - نیست، می‌گوید

ص: 13

زن ملك همه، و مرد هم مربوط به همه، چه خواهرش باشد یا مادرش باشد یا دخترش باشد، هیچ فرقی نمی کند، و اتفاقاً مارکس و انگلس در کتاب (البیان الشیوعی) می نویسند: ما هنگامی که بگوئیم زن مشاع است بین همه، و هر زنی مربوط به هر مردی، و هر مردی مربوط به هر زنی است، طبقه بورژوازها و سرمایه داران بزرگ تعجب می کنند، و بر سر ما فریاد می کشند و می گویند: این چه حرف زشتی است؟ ما به آن ها پاسخ می دهیم: که هرگز از فریاد و اعتراض شما هراسی نداریم و هم چنان در عقیده خود راسخیم.

این (نه) ی سوم.

چهارم: کمونیسم می گوید: مالکیت - نیست، و هیچ کس مالك هیچ چیز نیست، و آن ها در فلسفه اقتصاد خود می گویند: که چون همه چیز ساخته شده اقتصاد است و همه نزاع ها و کشمکش ها بر سر اقتصاد می باشد، لذا ما باید نفی اقتصاد و ملکیت بنمائیم، تا این که همه یکی بشوند، و با هم برابر و مساوی گردند.

خلاصه: می گویند، ملکیت دروغ، و باید تحت اختیار دولت باشد.

این (نه) ی چهارم.

پنجم: کمونیسم می گوید: - آزادی - نیست، فقط و فقط دیکتاتوری برولیتاریا، می گوید باید دیکتاتوری در

ص: 14

حکومت باشد، و آزادی معنی و مفهوم ندارد، انتخابات، مسافرت ها، اندیشه ها، نباید آزاد باشند، هرگز چنین چیزی نیست، و هیچ نوعی از آزادی نباید وجود داشته باشد، و اساس کمونیسم جهانی امروز، بر این پنج چیز پایه گذاری شده است.

انسانی که نه دین و نه اخلاق و نه مالکیت و نه خانواده و نه آزادی داشته باشد، این چگونه آدمی است؟ حیوانات که از این انسان آزادی بیشتری دارند، يك مقداری آزادی - هائی دارند، اما این انسان، باید از همه آن آزادی ها محروم باشد، دلیل کمونیسم هم بر این ادعاء - زور مسلسل است - است، می پذیرید؟ بسیار خوب، قبول ندارید؟ - جوخه - اعدام - .

خلاصه: به دنبال همین پنج اساس به قدری اینان جنایت و آدم کشی نمودند که حساب ندارد، و اگر واقعاً بخواهیم این فجایع را (آن قدر که من مطالعه و تحقیق کرده ام) بنویسم شاید، ده جلد بزرگ شود.

موضوع سوّم: ما که از خدا می ترسیم، و به قیامت و معاد معتقدیم دچار لغزش می شویم، چه رسد به اینان، که اصلاً معتقد به هیچ و دین و مبدئی نیستند، این ها هنگامی که می خواستند مجارستان را فتح کنند، هواپیماهای شوروی

می آمدند در مجارستان، و هر کدام با خود پنج تانک حمل کرده بود، که مجموعاً (6000) تانک در یک روز، در مجارستان آماده کردند، و این تانک ها هر جا را که می خواست منهدم می کرد، و هر کس را می دید می کشت و به قتل می رسانید، و لذا هنگامی که خروشچف به سمت غرب مسافرت کرد، هر جا که می رفت پلاکاردهای زیادی نصب شده بود، و با خطّ درشت نوشته بود - قصاب مجارستان - .

چون که انسان از دیدگاه اینان هیچ گونه ارزشی ندارد، چون که می گویند: اخلاق نیست، و دیگر هیچ، همین کمونیست ها در زمان "سوکارنو" می خواستند در اندونزی کود تا کنند، فقط در سه روز هفتصد هزار انسان را به قتل رساندند و کود تایشان هم پیروز نشد، اگر پیروز می شد چه می کردند؟ اصلاً آدم کش حرفه ای، این کمونیست ها هستند، نگوئید آمریکا آدم کش نیست، آمریکا همین ها را ساخت در همین تگّه آذربایجان، در زمان "جعفر پیشه وری - در (32) سال قبل، باز کمونیست ها می خواستند آذربایجان را از ایران منفصل بکنند، و حکومت کمونیستی مزدور رَوش تشکیل بدهند، به رهبری - جعفر پیشه وری - در یک روز رادیو اعلام کرد که امروز عید خون است، و عید خون عبارت بود از این که نام تمام شخصیت های آذربایجان را بنویسند، و همه را قتل عام کنند،

و کردند، و اسمش را عید خون گذاشته، و نظیر همین را در عراق، که خودم شاهد آن بودم تطبیق کردند، و اسمش عید خون نبود، اما شباهت زیادی به این عید داشت، از جمله در کربلا بنا بود که (116) نفر از افراد کربلا را در يك شب اعدام نمایند، که من یکی از آن ها بودم، و این ها هر کدام مقداری مخالف کمونیستی بودند خواستند اعدام کنند، و یادم هست که چند نفر از این (116) نفر که گویندگان و دانشمندان که جزء آن ها بشمار می رفتند، مسلح شدند، و با خود هفت تیر حمل می کردند، و ما خود شاهد بودیم که چگونه آدم کشی می کنند، و عراق در (22) سال قبل، کمونیسم شده بود، و این کار انگلستان و روس با کمک يك دیگر بود.

در عراق، يك قسم آدم کشی آن ها این گونه بود: که محکوم را می آوردند، و به دو ماشین جیپ می بستند، و دو جیپ در جهت مخالف یکی جلو و دیگری عقب می رفت تا این که محکوم از وسط دو نصف می شد.

و قسم دیگر این که: يك آدمی را به ریسمان می بستند و در خیابان ها می کشیدند، تا این که تگه تگه می شد.

و قسمی دیگر را بر او نطف می ریختند و آتش می زدند و همین طور با حالت آتش می دوید تا این که زغال می شد.

و قسمی دیگر این بود که محکوم را با ساطور قطعه قطعه

وقسمی دیگر را این گونه کشتند: شخصی بود به نام "حسن رگاع" (رگاع یعنی پینه دوز)

این شخص پینه دوز بود، از شهری در عراق به نام "مسیب" فرماندار آن منطقه شده بود، آن گاه به رفقای خود گفته بود که برایم عقرب های زیادی تهیه کنید، آن ها در شیشه ها عقرب زیاد تهیه کردند، و انسان محکوم را به زمین می بستند و او را لخت می کردند، و عقرب ها را روی او می ریختند تا این که می مرد.

خلاصه: کمونیست ها، آدم کش حرفه ای هستند، در همین آبادان در زمان آیت الله کاشانی، بیمارستانی را با همه بیمارانش به آتش کشیدند.

اینان از هیچ کس هم هراسی ندارند، و یکی از کارهایی که در همین کربلاء انجام دادند، این بود که در میدان های شهر نصف شب ده نفر کمونیست در چند جای میدان می ایستادند، و سگی را می گرفتند، و هر کدام سنگی را به او پرتاب می کردند، تا آن سگ می مرد.

من علّتش را از مرحوم "حاج شیخ عبد الزّهراء کعبی" که (بعثی ها به وسیله زهر در قهوه او را شهید کردند) پرسیدم؟ ایشان گفتند: که از کادر حزب شیوعی بغداد

دستور آمده که باید افراد حزب کمونیست قسی القلب باشند، زیرا که ممکن است بر خواهر و مادر و برادر خود ترحم کنند، راه قساوت قلب از این جا شروع می شود، که شب ها به این وسیله، سگ ها را بکشند، تا رحم و عاطفه در آن ها بمیرد.

موضوع چهارم: شوروی اکنون افغانستان را اشغال نموده، و لاقلا (85000) سرباز و لشکر در افغانستان پیاده کرده است، و طبق آمار مشهور، حدود يك ميليون انسان را به قتل رسانیده اند، بیش از چهار میلیون آدم آواره کرده اند، به اضافه خرابی ها و انهدامات دیگر.

ما باید در برابر این جنایت ها و وحشی گری ها شش کار انجام بدهیم، سه قسمش منفی، و سه قسم دیگر مثبت:

منفی اول: باید سعی نمائیم که تمام دولت های جهان با شوروی قطع رابطه بنمایند.

منفی دوّم: باید سعی نمائیم فلسطینی ها هم چنان که با آمریکا دشمن هستند، با شوروی هم دشمن شوند، چون که فلسطینی ها مقداری گرایش به شرق دارند، و این اشتباه است، و هنگامی که یکی از شخصیت های فلسطین نزد من آمده بود، به او گفتم که چرا شما با شرقی ها رفاقت و روابط دارید؟ باید قطع روابط شود.

منفی سوّم: باید سعی کنیم که حزب کمونیسم در هیچ جا

مجاز نباشد، زیرا هم چنان که آن ها به سائر احزاب در کشورهای خود آزادی فعالیت نمی دهند، باید به آن ها اجازه فعالیت داده نشود.

این سه کار منفی، اما سه کار مثبت:

مثبت اول: آن است که شما طلبه هستید، و در حدود هزار نفر هستید، باید هر کدام يك كتاب ردّ کمونیستی بنویسید، ولو "ده صفحه" باشد.

هزار کتاب از هر کتابی پنجاه هزار نسخه طبع شود پنجاه میلیون کتاب ضدّ دستگاه کمونیستی و آدم کشی، و همه شما هم این کار را می توانید انجام دهید.

مثبت دوم: باید افغانستان را با تمام قوا و نیرو کمک کنیم، هر قدر که می توانیم، مثلاً در یکی از جنگ های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) شخصی سه کیلو خرما کمک کرد، شخص دیگر از این مقدار خنده اش گرفت، پیامبر فرمود: نه، همین مقدار هم پذیرفته می شود، خداوند می فرماید: (لَا يَكْفِيُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) و باز می فرماید: (لَا يَكْفِيُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا) اگر قدرت مالی ندارید، به وسیله زبان کمک کنید، زیرا زبان هم خیلی ارزش دارد، خداوند می فرماید: (وَلَا يَحْضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ) حاصلش آن است که چرا به مردم نگفتید که به مردم غذا بدهید؟! و این افغانستان مانند يك عضوی

ص: 20

از ما می باشند.

مثبت سوّم: این که باید بدانیم که صد و بیست میلیون مسلمان در کشور تخت چنگال همین وحشی های کمونیست داریم که گرفتارند، و این عدد طبق آمار (مجلّه اکتوبر مصر) نوشته شده است، از میان دویست و شصت میلیون مردم شوروی، صد و بیست میلیون آن ها مسلمانند، که چه سه زیادی در خدمت به اسلام و مسلمین داشته اند، ما باید آن ها را نجات دهیم.

خداوند انشاء الله ایران را از این مشکلاتی که دارد نجات دهد، حکومت صدام را سرنگون بفرماید، حکومتی اسلامی جایگزین آن بنماید، افغانستان را از شرّ شرق، و فلسطین را از شرّ غرب نجات دهد، به مسلمانان جهان حکومت واحد هزار میلیونی عطا فرماید.

(وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.)

ص: 21

* مارکس و انگلز دو یهودی کینه توز عامل صهیونیسم جهانی بودند.

* لینن با کمک صهیونیسم حرکت خود را آغاز نمود و برژنف با کمک های اقتصادی و تکنولوژی آمریکا حکومت خود را مستقر نموده است.

* آمریکا صد هزار کشته در ویتنام بجای گذاشت و شوروی ده ها هزار کشته در افغانستان بجای گذاشته است.

* کاخ کرملین جایگاه حکمرانان مسلمان بود باید آزاد گردد.

* صد و بیست میلیون مسلمان در شوروی نهضت اسلامی را در آن جا آغاز خواهند نمود.

* بیش از ده سال از عمر کمونیسم جهانی باقی نمانده است.

* کمونیسم جهنمی برای کارگر و کشاورز می سازد و ثروت و قدرت را با همان سیستم سرمایه داری در دست دولت جمع می نماید.

* تا کنون شوروی ستمگر (250) هزار کشته و (100) هزار گمشده و (100) هزار معلول و (2) میلیون آواره برای افغانستان بجای گذاشته.

" ناشر "

این سخنرانی توسط مؤسسه (نشر کتب علمی و اسلامی) از بودجه حساب شماره 600 بانک صادرات شعبه 1006 سیّده ملك خاتون تهران چاپ و مجاناً توزیع می شود.

امید است شما برادر و خواهر مسلمان دانش پرور به حساب شماره 600 کمک مالی فرموده، تا این مؤسسه همانند سابق کتاب های علمی و اسلامی را چاپ و مجاناً توزیع نماید.

و تألیفات خود را به این مؤسسه ارائه فرمائید تا بررسی و نسبت به چاپ آن ها اقدام شود، و با صندوق پستی 635 / 71 منطقه 17 تهران مکاتبه فرمائید، و ما را در پیشرفت این هدف مقدس رهنمود باشید.

"مستر حمی"

ص: 23

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

